

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۴ - ۲۵

بنیان‌های اخلاق هندو: نظریه کرمه

^۱ حبیب بشیرپور

^۲ ابوالفضل محمودی

چکیده

کیفیت زندگی آدمی در طول دوران حیات خویش در این جهان و در سرای باقی همواره تحت تاثیر اعمال و کردار و گفتار خویش است. کرمه به معنای عمل کردن است و ثمره عملی که تحت تاثیر خواسته‌ها و غرائز انسانی انجام شود، در چرخه زندگی‌های بعدی یا در سمساره نتیجه می‌دهد. با درک کرمه در اخلاق هند، می‌توان وضعیت زمان حال فرد را توجیه کرد و نیز از تولدهای بعدی در آینده جلوگیری بعمل آورد. به منظور کسب کرمه خوب باید از دهرمه پیروی کرد و دستیابی به معرفت، باعث از بین رفتن کرمه می‌شود. به استثناء چارواکه، تمام نظام‌های هندی با نظریه کرمه، کم و بیش توافق دارند. همه چیز تحت سیطره قانون کرمه است؛ اما این قانون در نزد سانکهایه و میمانسا مستقل از اراده الهی است و در ادیان بودایی و جین، خدایان هم تحت تاثیر قانون کرمه هستند.

واژگان کلیدی

کرمه، عمل، معرفت، تولد مجدد، سمساره.

Email: h.bashirpour@sbu.ac.ir

۱. دکترای ادیان و عرفان تطبیقی.

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

Email: amahmoodi5364@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۱

طرح مسأله

اخلاق هندو بر طبق اصل اعتقادی کرمه عمیقاً با باور به تناسخ یا تولد مجدد پیوند خورده است. بر اساس آموزه کرمه، هر عملی خوب یا بد، نتیجه خود را نه تنها در بهشت و دوزخ، بلکه در بیشمار بدن، از خدایان گرفته تا حشره و گیاه و سنگ، برجای می‌گذارد. در شش نظام فلسفی هندویی و در قدیمی‌ترین قانون‌نامه‌های دسته دهرمه سوتره^۱، باور به مفهوم کرمه، یا عمل، یا به ثمر نشستن اعمال در تولدهای بعدی دیده می‌شود. بالاترین هدف فلسفه‌های هندوی، خلاصی از عوارض عمل و در نتیجه رهایی از تولد مجدد است. (Jolly, 1912: vol. 5, p. 496)

مفهوم کرمه در ادیان هندویی، بودایی، جینی و سنت‌های دیگر موجود در هند و هر یک از فرق آن‌ها تا حدی متفاوت است؛ اما در نهایت آموزه کرمه در همه این سنت‌ها حول سه موضوع قرار دارد: علیت، اخلاق و تولد دوباره. راه حل مکاتب هندوی برای از میان بردن منشاء رنج و پدیداری تنوع حالات انسانی، در فهم قانون کرمه نهفته است. (Turner, 1912: vol. 7, p. 673)

این مقاله درصدد پاسخ به دو پرسش است: کرمه در اندیشه هندو به چه معناست و چه نقشی در سرنوشت آدمی بازی می‌کند؟ و دیگر آنکه چگونه می‌توان با خنثی کردن آن از چرخه تولد مجدد و رنج نجات پیدا کرد؟ پرداختن به این سئوالات مهم‌ترین محور این پژوهش است.

واژه کرمه از ریشه «کری» (kri) به معنای عمل کردن است. هر عملی مطابق قانون علیت منجر به کرمه می‌شود که بر اساس آن: «هر چه بکاری می‌دروی». خاستگاه مفهوم کرمه از اصل ریته^۲ به معنی نظم کیهانی است که نخستین بار در وداها مطرح شده است. ریته نظامی است که بر اعمال اخلاقی و جسمانی حاکم است و در طول دوره برهنه‌ها به آن مانند قانون ثابت علیت نگریسته می‌شد که در مورد تمام رفتارهای اخلاقی بکار می‌رفت. این قانون تنها بر رفتار خارجی شخص حاکم نیست بلکه مربوط به نیت‌های شخص در وراء هر عمل نیز می‌شود. (Sbabad, Sorajjakool, 2010: p. 38)

سنت‌های گوناگون مفهیمی را به روش‌های مختلف به آن افزوده‌اند. (Hamilton, 2001: p. 10)

هیچ مفهومی به اندازه کرمه بر جهان‌بینی هندیان اثرگذار نبوده است. معادل کرمه در زبان‌های پالی: kamma، تبتی: las، چینی: yeh یا yin-kuo و در زبان ژاپنی: inga یا gō می‌شود. (Mahony, 1987: Vol. 8, p. 262)

درک قانون کرمه برای توجیه وضعیت زمان حال فرد بر مبنای اعمال گذشته‌اش، و هم در مقام راهنمای اعمال زمان حال وی بر این مینا که زمینه‌های تولد مجدد وی را در آینده فراهم

1. Dharma sutra
2. rta

نیارود، به کار می‌آید. (Scharf, 2008: p. 410)

نتیجه کردار شخص یعنی کرمه او، معمولاً به مانند سایه او را دنبال می‌کند و به محض اینکه فرد فوت کرد، در همان کیفیت در رحم دیگری تولد مجدد می‌یابد که متناسب با نتایج بد یا خوب اعمال اوست. این رحم، ضرورتی ندارد که رحم انسان باشد، کسانی که مرتکب اعمال شرورانه شده‌اند، حیوان می‌شوند و یا به دوزخ می‌روند. (Lipner, 2010: Vol. II, p. 781)

کرمه نه تنها به معنای عمل بلکه به معنای نتیجه عمل نیز هست. فکر کردن، صحبت کردن، دیدن، خوردن، همه اعمال کرمه‌ساز هستند. فکر کردن، کرمه ذهنی است. کرمه مجموعه‌ای از اعمال ما در زندگی فعلی و در زندگی‌های پیشین است. قانون کرمه به معنای قانون علیت است. هر جا علتی باشد معلولی نیز وجود خواهد داشت. چون هر فکر یا رفتار دربردارنده انرژی است، علتی برای ایجاد معلول کرمه‌ای می‌شود. در یک نگاه کلی، انسان از سه بخش احساس، شناخت و اراده تشکیل می‌شود که این هر سه، کرمه را به وجود می‌آورند. انسان چیزی را می‌شناسد و نسبت به آن احساس رنج یا خوشی پیدا می‌کند و اراده انجام کاری یا انجام ندادن کاری را نسبت به آن پیدا می‌کند. پس به واقع این میل و خواسته است که کرمه را ایجاد می‌کند. (Sivananda, 1999: p. 45)

توالی قاعده‌مندی بین آنها برقرار است که حکایت از ارتباط مشخصی می‌کند بین آنچه که فرد در زمان حال انجام می‌دهد با آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد. افکار می‌توانند ویژگی‌های شما را شکل دهند. اگر شما فکر خوبی را عزیز دارید، ویژگی خوب خود را بسط می‌دهید و در ادامه، فکر تبدیل به عمل شود. اگر شما به ذهن خود اجازه دهید که در خوبی‌ها سکنی گزیند، شما به طور طبیعی خوب عمل خواهید کرد و اعمال‌تان ستودنی خواهد بود. (Ibid, p. 46)

شما عملی می‌کارید و عادت‌ها را در می‌کنید و عادت‌ها را می‌کارید و ویژگی‌ها را برداشت می‌کنید و ویژگی‌ها را می‌کارید و تقدیری را برای خودتان حاصل می‌کنید. پس تقدیر شما ساخته خود شماست. اگر می‌خواهید تقدیرتان را عوض کنید باید افکارتان را عوض کنید و اعمال پارسایانه انجام دهید. (Ibid, p. 47)

در منو^۱ گفته شده که هر عمل، جسمانی یا ذهنی، کرمه خوب یا بدی ایجاد می‌کند. در نتیجه سه نوع عمل بد وجود دارد. ذهنی، زبانی، جسمی. عمل بد جسمانی به تجسّد دوباره به شکل مخلوقی بی‌حرکت منجر می‌شود. عمل بد زبانی به تجسد در شکل یک حیوان می‌انجامد و ثمره عمل بد ذهنی، تولد مجدد به صورت فردی در طبقه پایین‌تر است. (Pillai, 2011: vol. 1, p. 343)

داسگوپتا می‌گوید: اگر تجربیات مقدّر شده برای یک انسان توسط عمل‌اش شبیه همان تجربیات و اعمالی باشد که در زندگی یک بز تحقق می‌یابد، او

بعد از مرگ به صورت یک بز متولد خواهد شد. (Dasgupta, 1922: vol. 1, p. 73)

ارتباط کرمه و دهرمه

راه کسب کرمه خوب، پیروی از دهرمه (نظام اخلاقی در عالم) است. هدف نهایی از پیروی دهرمه، آزادی شخص از سمساره^۱ یا چرخه تولدهای مجدد است. سمساره واژه‌ای سانسکریت و به معنای «سرگردانی» و اشاره به «تناسخ» یا «تولد دوباره» و «چرخه کرمه‌ای» دارد (Firth, 1977: pp. 29-43)؛ یعنی فلاسفه هندی وجود یک روح را در ارتباط با کرمه می‌پذیرند که برای دریافت جزا و پاداش از بدنی به بدن دیگر می‌رود. شخص می‌تواند با پاک کردن بقایای کرمه‌ای به مکشه یا رهایی از سمساره برسد. (Ramen, 2008: p. 40) قانون کرمه هم‌زمان در سطوح عینی و ذهنی مؤثر می‌افتد. در سطوح ذهنی، باقیمانده‌های کرمه‌ای که به دنبال تولدهای پی‌درپی از طریق اعمال انباشته می‌شود، خصوصیات اساسی روح از جمله تمایلات اثرگذار، ظرفیت‌ها و گرایش‌های فرد را شکل می‌دهد. قانون کرمه، در سطوح عینی وضعیت‌های خارجی تولد فرد را در زندگی بعدی مشخص می‌کند که از آن جمله می‌توان به انسان بودن، جنس، خانواده، طبقه اجتماعی و جامعه‌ای که فرد در آن متولد می‌شود، اشاره کرد. از این منظر، قانون کرمه ابعاد عینی و ذهنی هستی فرد را مشخص می‌کند. دهرمه‌سوترها^۲ (مجموعه‌های سوتره که مواد و موضوعات آموزشی هر یک از مکتب‌های سنت هندو بطور خلاصه و برای به خاطر سپردن است) و دهرمه‌شاسترها^۳ («دستورنامه‌های دینی»، شاستره به معنای «دستور» و «قاعده» که رساله‌هایی در موضوعات مختلف از جمله در آداب و احکام اند) قانون کرمه را به‌عنوان انگیزه یا مشوق کیهانی برای انجام وظیفه طبقاتی فرد می‌دانند. برطبق این قانون، تولد یک فرد در طبقه‌ای خاص یا ورنه^۴، نظیر شودره^۵، امری اختیاری نیست؛ بلکه نتیجه میراث کرمه‌ای است که از تولد قبلی انباشته شده است. عمل به وظیفه طبقاتی صحیح‌ترین روشی است که از طریق آن فرد می‌تواند استعدادهای طبیعی خود را گسترش دهد و هم‌زمان بیشترین هماهنگی را با نظم کیهانی و اجتماعی داشته باشد؛ اگرچه که فرد آزاد است تا مسیر دیگری را برگزیند و بکوشد تا دهرمه اجتماعی دیگری را به‌عهده بگیرد. دهرمه‌شاسترها مکرراً تأکید می‌کنند که انجام این امر منجر به بهبود وضعیت مشخصی نخواهد شد، چرا که قانون کیهانی دهرمه همان‌گونه که در ساختار نظام طبقاتی و قانون کرمه تبیین شده است، از پیش وضعیت هر

1. Samsara
2. Dharma sūtra
3. Dharma śāstra
4. Varna
5. śūdra

فرد را در زندگی آینده تعیین کرده است. (Holdrege, 2005: pp. 236, 237)

دین هندو، دین یا روش زندگی بر مبنای مفاهیم کرمه، دهرمه و مکشه است. هدف نهایی، مکشه، رهایی از چرخه تولدمجدد است. برای دستیابی به مکشه، فرد باید دهرمه یا وظیفه و مسئولیت‌اش را همان‌گونه که مقرر شده است، دنبال کند. هر فرد با زندگی کردن بر طبق نظم یا قوانین کیهانی دهرمه، کرمه خوب جمع می‌کند که منجر به تولدش در مرتبه بالاتری در زندگی بعدی می‌شود و سرانجام او را به مکشه می‌رساند. (Pillai, 2011: vol. 1, p. 339)

خاستگاه آموزه کرمه

اصل اعتقادی کرمه پیشینه و سابقه روشن و واضحی در لایه‌های اولیه متون ودایی ندارد، از این رو برخی محققان بر آن شده‌اند که خاستگاه کرمه را در بیرون از فضای فرهنگ کهن ودایی جستجو کنند. در این راستا برجستگی موضوعات کشاورزی در نمودهای اولیه این اصل اعتقادی به‌ویژه آنها که به کشت برنج مربوط می‌شود به‌عنوان شاهی بر خاستگاه قبیله‌ای و غیر ودایی این اصل اعتقادی به حساب آمده است. (Tull, 2005: p. 311)

در ادبیات ودایی و برهنه‌ها کرمه به «هر آئین یا عمل دینی همچون قربانی و نذر به امید ثواب در آینده» اطلاق می‌شود تا این قربانی‌ها به آسمان رفته، ذخیره شده و پس از مرگ دارایی فرد متوفی شود. (Krishnan, 1997: p. 4)

بر اساس باور ودایی در منترها، اجرای قربانی با رعایت تمام جزئیات آیینی و بدون کوچک‌ترین خطای لفظی یا عملی باعث می‌شود که فرد به مقصود مورد نظر خود برسد. مفهوم رایج دیگری در سمهیتا (وداها) وجود دارد که حاکی از آن است که کسی که در این دنیا مرتکب اعمال بد شود در دنیای دیگر گرفتار رنج خواهد شد و در مقابل کسی که اعمال خوب انجام دهد در بالاترین حد مادی در دنیای دیگر از لذت برخوردار خواهد شد. شاید نظریه کرمه را این مفاهیم به‌همراه مفهوم ریته ساخته‌اند. (Dasgupta, 1922: vol. 1, pp. 72, 73)

پس در ادبیات ودایی، کرمه به عنوان اعمال دارای نتیجه، با مناسک قربانی در ارتباط است و این باور وجود داشت که نتایج خاصی در قربانی وجود دارد که باعث عملکرد بهینه کیهان می‌شود و خوب یا بد بودن عمل بستگی به درست انجام دادن آن دارد. ارزش‌هایی که با این فهم از کرمه همراه است، الزاما با باور اخلاقی همراه نیست. در زمان‌های بعد کرمه با اندیشه تولد مجدد همراه شد؛ یعنی نتایج مثبت یا منفی از هر آنچه فرد به‌عنوان وظایف‌اش انجام داده است ممکن است در هر یک از زندگی‌های بعدی او مؤثر افتد. (Hamilton, 2001: p. 11)

بدین ترتیب، با آنکه واژه کرمه مکرراً در متون ودایی به کار می‌رود، اما به‌عنوان یک اصل اعتقادی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان اصطلاحی است که معرف یک عمل و به‌ویژه عمل آیین قربانی است. اما با پایان یافتن دوره برهنه‌ها که مقارن با تألیف اوپنیشدهای اولیه است، کرمه به‌صورت یک اصل اعتقادی ظاهر می‌شود؛ که حکایت از آن دارد که اعمال انجام

شده در این زندگی مستقیماً بر شرایط زندگی آینده تاثیر می‌گذارد. (Tull, 2005: p. 312)

در براهمنه‌ها، اصل اعتقادی کرمه تنها در مورد قربانی‌هایی اعمال می‌شود که در طی حیات فرد انجام می‌شود و این ساز و کار مستقیماً در مورد سرنوشت فرد پس از مرگ به کار می‌آید. (Ibid, p. 317) در دورهٔ برهمنی صحبت از دوباره مردن یا متولد شدن در این زندگی می‌شود و در شته‌پتهه/براهمنه^۱ اشاره می‌کند که آنهایی که این دانش را ندارند یا کسانی که این آیین (آتش قربانی) را انجام نمی‌دهند، وقتی مردند، دوباره به زندگی برمی‌گردند و این چرخهٔ تولد و مرگ بارها و بارها برای آنها تکرار می‌شود. (Lipner, 2010: Vol. II, p. 778)

اولین نشانه‌های مهم از کرمه در اوپنیشدهای اولیه، در بریه‌آرنیکه/وپنیشده^۲ دیده می‌شود که احتمالاً در قرن ششم قبل از میلاد تألیف شده است و بعد از آن در چهاندوگیه/وپنیشده^۳ و بعد در کثوشیتکی/وپنیشده^۴ نیز از این اصل اعتقادی یاد می‌شود. در حدود یک قرن بعد یا بیشتر از این دوران، این نظریات در شکل کمال یافته‌اش در ادیان بدعت‌گذار هندی یعنی جین و بودا دیده می‌شود که کرمه و تولد مجدد در مرکز تفکر فرجام‌شناسی آنان قرار می‌گیرد و بعد از این می‌توان نظریهٔ کرمه را به عنوان بخش اصلی پیش‌فرض‌های فرجام‌شناسی همهٔ ادیان هندی مشاهده کرد. (Obeyesekere, 2002: p.1)

در بریه‌آرنیکه و چهاندوگیه/وپنیشده که قدیمی‌ترین اوپنیشدها می‌شوند و با براهمنه‌ها ارتباط آشکاری دارند دو مسیر برای بعد از مرگ معرفی می‌شود: مراقبه در جنگل باعث می‌شود که فرد بعد از مرگ به مسیر آسمان برود و از میان خورشید به جهان‌های برهما رفته و در آنجا سکونت دائم یابد که این مسیر خدایان^۵ است. در مسیر دیگر، قربانی، فرد متوفی را به مسیری می‌برد که او را به ماه می‌رساند و سرانجام به زندگی دوباره در این جهان بازمی‌گرداند و این راه نیاکان^۶ است. در اینجا یک مسیر بر مسیر دیگر برتری ندارد؛ اما در اوپنیشدهای دیگر، عمل قربانی و نائل شدن به مسیر نیاکان به شدت تحقیر شده و جاهلان هستند که قربانی‌ها و هدایا را بهترین می‌شمارند. آنها مدتی با لذت در آسمان‌ها زندگی می‌کنند و دوباره به این جهان زیرین بازمی‌گردند (از طریق دود، باران، تولید گیاهان، منی و تولد). (Tull, 2005: p.320) در فضای براهمنی، اوپنیشدهی اعمال در دو مینا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که هیچ یک از آن دو در تقابل با دیگری نیست، یکی از طریق ماهیت عمل، همان گونه که هست و دوم از طریق شیوه‌ای که آن عمل انجام می‌شود.

1. śatapatha brāhmana
2. Brhadāranyaka Upa
3. chāndogya Upa
4. kaushitaki Upa
5. devayāna
6. Pitryāna

(Ibid, p. 319)

طرح اصل اعتقادی کرمه برای اولین بار به حکیم یاجنه‌ولکیه^۱ نسبت داده شده است. (Safra, 2006: p. 441) بنا بر گفته او «برطبق آنچه که فرد عمل می‌کند و رفتار می‌کند، پس آنگاه او همان خواهد شد. مرتکب خوب، خوب می‌شود و مرتکب بد، بد!» یاجنه‌ولکیه با تحلیل ماهیت و فرآیند کرمه، میل و آرزو را به عنوان علت غایی همه اعمال و خاستگاه تولد مجدد مستمر معرفی می‌کند. (Ibid, p.1153) در اینجا ما شاهدیم که روند نگاه به کرمه از شکل آئینی آن که قربانی بود به جانب عمل اخلاقی متمایل می‌شود. در بریهده/آرنیکه/اوپنیشد (Brhadāranyaka Upa 1950: 3.2.13) پاسخ یاجنه‌ولکیه به سؤالی راجع به اینکه آنچه که بعد از مرگ باقی می‌ماند چیست؟ می‌گوید: آن کرمن^۲ یا عمل است. در جهان‌دوگیه/اوپنیشد (Chāndogya Up, 1984: 5. 10. 7) گفته شده که عمل خوب است که منجر به تولد به شکل یک برهن، کشتریه یا ویشیه می‌شود در صورتی که عمل بد منجر به تولد به شکل یک حیوان یا عضوی از پایین‌ترین طبقه^۳ می‌شود. در کنهه/اوپنیشد (Katha Upa, 2016: 5. 7) می‌گوید: برخی بر طبق رفتارشان و بر طبق معرفت‌شان به شکل گیاه تجسم می‌یابند. در این عبارت اخیر اشاره به معرفت ودایی به عنوان عاملی مؤثر در تولد مجدد می‌کند. (Klosternaier, 2005, p. 276)

کرمه قانونی خارجی نیست بلکه قانون و داوری درونی است. در شتهه‌پته اپانیشد آمده است که خدا قانون کرمه را بوجود آورده است. خدا هم عشق است و هم قانون، و عشق او از طریق قانون کرمه جاری می‌شود. از متون اوپنیشدی برمی‌آید که نفس پس از ترک جسم کنونی در قالب جسم جدید درمی‌آید. نفس خالق است به این معنا که اوست که جسمی را خلق می‌کند. نفس با هر تغییر جسم، شکل جدیدتری می‌یابد. دانش^۴ و رفتار فرد (کرمه) در زندگی قبلی است که شرایط فعلی او را مشخص می‌کند و نتایج آموختن و رفتار به نفس می‌چسبد. انسان بارها متولد می‌شود تا به معرفت حقیقی دست یابد از نظر رادها کریشنن، کرمه قانونی عادلانه است چرا که مجال اصلاح را برای فرد فراهم می‌سازد. (The Principal Upanishads, 2007, p. 113)

شایگان، نطفه قانون کرمه را در اوپنیشدها می‌داند که بعدها تکامل و ترویج یافته است. اما کرمه اوپنیشدی با کرمه متأخر متفاوت است چرا که انگیزه و نتیجه‌گزار در اوپنیشدها از همین حیات ناشی می‌شود و منشاء آن تمایل و اراده انسان است؛ چنان که اوپنیشد می‌گوید «هر آن گونه که اراده باشد کردار نیز بدان گونه خواهد بود» اما در کرمه متأخر، انسان در حیطة نیروی آن اعمالی است که در زندگی‌های پیشین مرتکب شده و جبر و تقدیر نقش برجسته‌ای در

1. yājñavalkya
2. Karman
3. candāla
4. vidya

چگونگی احوال او دارد و انسان می‌تواند هرگاه بخواهد راه نجات و آزادی را پیش گیرد و خود را از گردونه تولد مجدد رهایی بخشد. از نظر اوپنیشدها ریشه زایش دوباره، تمایل روح جهت انجام دادن کارهاست و چون روح تمایل به انجام عمل دارد بار دیگر به این جهان برمی‌گردد تا کارهای تازه‌ای را انجام دهد. (شایگان، ۱۳۸۶: صص ۱۱۴، ۱۱۵) کرمه در اوپنیشدها از سوی قانونی اخلاقی است و اساس نظام اخلاقی را در هند بوجود می‌آورد و از سوی دیگر، فرد باید از آن خلاصی یابد تا تولدی مجدد نداشته باشد. (Krishnan, 1997: p. 17)

کرمه و تقدیر و آزادی انسان

اما اگر زندگی شخص بر طبق قانون کرمه است، آیا زندگی فرد از پیش مقدر نشده است؟ در این صورت جایگاه آزادی کجاست؟ کشمکش بین کرمه و آزادی را شاید بتوان در سه شکل از کرمه توضیح داد. ابتدا کرمه پربرده^۱ که با تیری مقایسه می‌شود که از پیش رها شده است و به تمام چیزهای از پیش مقدر شده اشاره دارد؛ نظیر جنس، والدین، رنگ پوست. این نوع از کرمه مسئول شادی‌ها و دردهای این زندگی فعلی است. نوع دوم کرمه سمجهیته^۲ است که شبیه تیری است که در کمان نشسته و منتظر رها شدن است و به‌ویژگی و تمایلات فطری اشاره دارد. در این نوع از کرمه امکان دارد تا ویژگی فرد تغییر یابد و بر تمایلات اش غلبه نماید. این تغییر می‌تواند از طریق اعمال آیینی و از طریق معرفت^۳ بدست آید. سمجهیته کرمه در طول زندگی‌های گذشته جمع شده است و در آینده نتیجه خواهد داد. سوم، کرمه آگمی^۴ است که به‌مانند تیری است که هنوز در کمان جای نگرفته است و اشاره به هر عملی دارد که در این زندگی انجام می‌شود و ممکن است هم در این زندگی و هم در زندگی بعدی ببار نشیند. کرمه آگمی‌ای که در این زندگی نتیجه ندهد به‌عنوان کرمه سمجهیته تجمع می‌یابد. از طریق این اشکال گوناگون کرمه، هر یک از ما خالق و معمار آینده‌مان می‌شویم. ما زندگی خودمان را شکل می‌دهیم و هر کاری که انجام بدهیم نتایج طبیعی خود را ببار می‌آورد. سمساره یا چرخه تولد و تولد مجدد، توسعه طبیعی مفهوم کرمه است. سمساره اشاره به چرخه تولد و تولد مجددی دارد که بدون وقفه و مادامی که کرمه وجود دارد، ادامه خواهد یافت. کرمه و سمساره هم چنین به توضیح مسئله رنج کمک می‌کنند. مادامی که فرد درگیر فرآیندهای رفتاری، احساسی و ذهنی منفی است، در این چرخه درد و رنج باقی خواهد ماند. (Sbabad, Sorajjakool, 2010: pp. 38,39)

شما مسئول سرنوشت خود هستید و شما سازنده آینده خودتان هستید که این نمایانگر اراده

1. Prarabdha
2. Samchita
3. Jnana
4. agami

آزاد و اختیار در انسان است. (Sivananda, 1999: p. 48) تقدیر یا سرنوشت^۱ چیزی به غیر از مجموعه و گردآمده‌ای از نیروهای تولید شده از عمل خود شخص نیست که فرد در زندگی‌های گذشته اندوخته است؛ پس اگر او به اندازه کافی کوشش و مجاهدت کند و عادات نیک را در خود پرورش دهد و آنها را جایگزین عادات بد گذشته خود کند، می‌تواند سرنوشت خود را دگرگون سازد. (چاترجی و موهان داتا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶)

رهایبی از کرمه بوسیله معرفت

در دنیای هندویی و بودایی، مفهوم کرمه کاملاً با سنت‌های توحیدی رایج تفاوت دارد. بر اساس این دیدگاه سرنوشت آدمی کاملاً تحت سیطره قانون علت و معلول است و هیچ مؤلفه دیگری در آن دخالت ندارد. در ساده‌ترین صورت، کرمه بیان می‌کند که هر آنچه امروز هستی، نتیجه مستقیم هر آن چیزی است که در زندگی گذشته انجام داده‌ای و این امر نیز حاصل تجمع کرمه‌های زندگی‌های پیشین است و رهایبی از این چرخه نیز به وسیله مداخله فیض و لطف خداوند میسر نمی‌شود؛ بلکه در آئین هندویی این رهایبی از طریق معرفت به حقیقت خود که همان آتمن است و معرفت به برهمن و این همانی آتمن و برهمن است که میسر می‌شود. (Smith, 2005: p. 129) هندوان معتقدند که بدن، حامل روح یا آتمن است و دنیا را از طریق آن روح تجربه می‌کند. در زمان مرگ، این بدن تخلیه می‌شود و آتمن به بدن دیگری می‌رود. آتمن جاودانه است و بدن جسمانی فناپذیر است. آنها معتقدند رنج زمان مرگ به خاطر کرمه بوده و اجتناب ناپذیر است. (Ibid, p. 43) برطبق نظر وداها، علم به این موضوع که ماهیت واقعی هر فردی ازلی است؛ یعنی «خود»^۲ تغییرناپذیر یا آتمن با ماده و «خود» تغییرپذیر تفاوت دارد، همان معرفت است و ما به سبب غفلت از ماهیت واقعی خود، به بخش دروغین یعنی خود جسمانی می‌چسبیم که سبب ایجاد عکس‌العمل کرمه‌ای می‌شود.

(Sbabad, Sorajjakool, 2010: p. 38)

اندیشه کرمه ارتباط نزدیکی با مفهوم جاودانگی روح دارد. در اوپنیشدها روح انسان در وراء مرگ نیز زندگی می‌کند. طبق اوپنیشدها، آزادی از تولدهای مجدد (سمساره) از طریق معرفتی متعالی، دگرگون کننده و تجربی به دست می‌آید. وقتی شخصی این معرفت دگرگون کننده را کسب کرد دیگر هرگز زاده نمی‌شود و هرگز نمی‌میرد و جاودانه می‌شود.

(Narayanan, 2006, vol. 1, p. 310)

در بخش بزرگی از تفکر دینی هند این اندیشه معمول است که دستیابی به معرفت «ویدیا»

1. daiva

2. self

یا «جنانه» باعث از بین رفتن کرمه می‌شود و تولد مجدد به پایان می‌رسد و رهایی^۱ رخ می‌دهد. (Jacobsen, 2011: p.78)

در تمام نظام‌های مهم، نبرد خیر در برابر شر، ویدیا^۲ در برابر آویدیا^۳، معرفت در برابر جهل و روشنایی در برابر تاریکی در روح انسان همواره برپاست. اگرچه ما در اوپنیشدها به عباراتی دست می‌یابیم که حاکی از آن است که کسی که به برهمن دست یافت در وراء خیر و شر سکنی می‌گزیند و یا اغلب در پورانه‌ها می‌خوانیم که چطور خدای متعال کرمه^۴ بد گناهکارانی را که به او پناه می‌برند را برطرف می‌کند؛ یعنی کسانی را که برای اعمال بدشان مستوجب کیفر بودند، به لطف خویش از عقوبت می‌رهاند. با این حال در سرتاسر سنت هندو، باور اخلاقی درخشانی حاکم است که در ضمن آن درستکاری در مفهوم اخلاقی را به‌مانند پیش‌نیازی برای ورود به مسیر رهایی به‌شمار می‌آورد. (Klosternaier, 2005: p. 295)

با این حال، طول مدت زندگی فرد در این دنیا بر مبنای کمیت و کیفیت اعمال انجام شده در زندگی گذشته^۵ فرد تعیین می‌شود و این اعمال شامل: ۱- سفید یا پارسایانه ۲- سیاه یا شرورانه ۳- سفید و سیاه یا بخشی پارسایانه و بخشی شرورانه ۴- نه سفید و نه سیاه که اعمال بدون چشم‌داشتی هستند که در نتیجه^۶ مراقبه یا چشم‌پوشی از نفسانیات حاصل می‌شود که در این صورت کرمه^۷ جدید پدید نمی‌آید و زندگی فرد تنها متأثر از اثرات کرمه‌های گذشته است. اگر در این زمان او معرفت واقعی را به‌دست آورد تمام اعمال گذشته او حبط می‌شود و بدین ترتیب او از بند کرمه رهایی می‌یابد. (Dasgupta, 1922: vol. 1, p. 74)

اما چگونه می‌توان نگرش‌های دینی گوناگون یعنی رهایی از طریق عمل و رهایی از طریق معرفت را با هم ترکیب کرد و به‌صورت نظامی برای دستیابی به مقاصد عملی در زندگی روزانه تبدیل کرد؟ در کتاب‌های درمه‌شاستره که دربردارنده^۸ وظایف دینی و اجتماعی دینداران است، توصیه‌هایی برای آریائیان (انسان‌های شریف) ارائه می‌شود که آنها باید عمر خود را در سه مرحله سپری کنند که نه‌تنها شامل کرمه‌مارگه، بلکه شامل جنانه‌مارگه هم می‌شود. یعنی در هر مرحله از زندگی که اشرمه^۹ نامیده می‌شود، او گامی به جلو برمی‌دارد. فرد در اولین مرحله که پسری ۸ تا ۱۰ ساله است به خانه^{۱۰} برهمن می‌رود و ودا یاد می‌گیرد. در اشرمه^{۱۱} بعد او تشکیل خانواده می‌دهد و بعد از اینکه پسرانش توانستند سرپرستی خانواده را برعهده بگیرند وارد اشرمه^{۱۲} سوم می‌شود و کرمه‌مارگه را پشت سر می‌نهد و در مسیر معرفت گام می‌گذارد؛ خانواده را رها ساخته و

1. mokṣā
2. vidyā
3. avidyā
4. āśrama

روستا به روستا می‌رود و به جنگل در آمده و گوشه‌ عزلت اختیار می‌کند؛ این مسیر از کار و عمل شروع شده و به معرفت ختم می‌شود که تا زمان مرگ که بار نهایی از دوش او برداشته می‌شود، ادامه می‌یابد. (Turner, 1912, vol. 7, pp. 677, 678)

در نهایت باید این نکته را مورد نظر داشت که کرمه در تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی به صورت جدانشدنی در هم تنیده شده است. نظریهٔ ورنه یا کاست بر زندگی اجتماعی، و نظریهٔ اشرمه بر جنبه فردی آدمی تأکید می‌کنند. (رادها کریشنان، ۱۳۸۲، ص ۷۸) ملازمتی بین عمل و معرفت وجود دارد، بطوریکه از نظر کریشنا این کودکان و نه خردمندان هستند که علم را از عمل جدا می‌دانند (The Bhagavad Gita, 2007: 4:5) و در واقع عمل، مقدمه‌ای برای معرفت است چراکه «آنکس که حواس خود را رام کرده، معرفت را بدست آورد و با کسب معرفت به آرامش مطلق رسد» (Ibid, 4:39)، و همچنین «یوگی که به مرحلهٔ نجات رسیده، عملش در آتش علم گذاخته و پاک شده است». (Ibid, 4:19) به گفتهٔ کریشنا، چشم‌پوشی از خواهش‌های نفسانی، منجر به رهایی از چرخهٔ تولد و مرگ می‌شود و در نهایت او سه مسیر را برای رهایی معرفی می‌کند:

کرمه‌یُگه^۱ یا طریق عمل، طریق معرفت یا جنانه‌یُگه^۲، و طریق اخلاص یا بهکتی‌یُگه^۳. کرمه‌یُگه طریقه‌ای است که در آن عمل، وقف خداوند و بدون تعلق و وابستگی به نتیجه آن انجام می‌شود. (Gaia, 2011: vol. 1, p. 306)

دومین یُگه، روش زندگی جنانه‌یُگه یا راه معرفت است که بر مبنای مراقبه و مطالعهٔ متون مقدس است. نظیر بهکتی‌یُگه، جنانه‌یُگه می‌تواند کرمهٔ بد فرد را خنثی کند. کریشنا می‌گوید: «همان‌گونه که آتش چوب و هیزم را می‌سوزاند، آتش معرفت نیز کرمهٔ بد را می‌سوزاند (The Bhagavad Gita, 2007: 4:37)» (Morreall, 2012: p. 221)

از نظر کریشنا، کسانی که جنانه‌یُگه و کرمه‌یُگه را مختلف می‌دانند در غفلت‌اند. چرا که هر دو به یک هدف نهایی منجر می‌شوند که همانا آزادی از چرخهٔ تولد مجدد است. عمل درست، عملی است که تنها اختصاص به خداوند دارد. یوگی‌ای که کرمه‌یُگه را پشت سر گذارد و سپس مرحلهٔ جنانه‌یُگه را طی کند، برهنه را سریع‌تر می‌یابد. (Gaia, 2011: vol. 1, p. 310)

کرمه و مکاتب فکری هندو

به استثناء چارواکه، تمام نظام‌های هندی با برخی نکات مهم مبنایی نظریهٔ کرمه توافق دارند. نظام‌های فلسفی در هند صرفاً به جهت رفع نیازهای انتزاعی ذهن انسان بوجود نیامده‌اند،

1. Karma Yoga
2. Jnana Yoga
3. Bhakti Yoga

بلکه آنها به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی زندگی دینی مطرح‌اند. (Dasgupta, 1922: vol.1, p. 71)

مفهوم کرمه در ادیان هندو، بودا، جاین و سیک مطرح است. اگرچه کرمه به‌صورت تحت‌اللفظی به‌معنای عمل است ولی افکار و کردار را نیز دربر می‌گیرد. پیش‌فرض اساسی در وراء کرمه، جهانی‌پویاست که در آن هر عملی نتیجه خود را دارد. یعنی اعمال خوب نتایج خوب خواهد داشت و اعمال بد، نتیجه بد. از آنجایی که افکار هم عمل محسوب می‌شوند، انگیزه‌های فرد نیز در نظر گرفته می‌شود. از این رو عمل شایسته از فرد فرومایه هم عملی شایسته است، اما ثواب او به اندازه فردی که خودش پاک است، نیست. کرمه به‌عنوان روندی کاملاً مادی در نظر گرفته می‌شود، هم‌چون قانون جاذبه! و نیازی به ربوبیت خداوند ندارد؛ اگرچه درطریقت بهکتی هندویی، خدا می‌تواند کرمه گذشته شخص را لغو و بی‌اثر کند. اثرات عمل فرد ممکن است در حیات وی دیده شود که پذیرفتن آن آسان است، چون همه معتقدند که هرکسی نتیجه عمل خود را می‌بیند؛ ولی اثبات دومی یعنی دیدن نتیجه اعمال در حیات بعدی، به‌صورت عینی مشکل است. (Lochtefeld, 2002: pp. 351,352)

در دین‌های جینی و بودایی، خدایان نیز هم‌چون سایر مخلوقات در معرض قانون کرمه قرار دارند. (Lurker, 2004: p. 46) بودا دلیل رنج و نابرابری را در جامعه به کرمه افراد در زندگی پیشین‌شان نسبت می‌دهد و می‌گوید افراد شبیه هم نیستند؛ برخی با عمر طولانی و برخی دارای عمر کوتاه، برخی زشت و برخی زیبا، بعضی بیمار و بعضی سالم،... که همگی به علت کرمه آنان است و کرمه ثروت و میراث فرد است؛ چراکه هر عمل اثری دارد و اثر بنوبه خود منشأ عمل تازه‌ای می‌شود که این علیت اخلاقی است. (Krishnan, 1997: pp. 59-61)

بودایی ← قانون اثر و موثر، عمل، کردار.
 هندویی ← به‌معنای عمل، نظام پاداش و جزاء که به اعمال گوناگون مربوط است.
 جاین ← ذرات میکروسکوپی که در جهان شناورند و به ارواح می‌چسبند و بر طبق کیفیت اعمال، نتیجه خاصی را قبل از اینکه از آن ارواح جدا شوند، آشکار می‌کنند.
 سیک ← تاثیر اعمال گذشته شخص بر روی زندگی‌های آینده.

در مرحله‌ای تأکید بر عمل، راهی بود برای نجات از طریق پیشکشی به آتش یا خدایان و زندگی موفق و سالمی را به‌دنبال خود می‌آورد؛ ولی با تحول سنت، در متون بعدی ودایی، انجام آیین‌ها بدون همراهی معرفت باطنی منجر به تولد دوباره و سمساره می‌شود. اوپنیشدها و ادیان ناستیکه جین و بودایی اجرای مناسک مرسوم را تحقیر می‌کنند و از این‌جا به بعد دو تحول متفاوت در مورد مقدس بودن این مناسک دیده می‌شود. نخست در مکتب میمانسا که بر عدم غفلت از انجام آیین تأکید می‌شود و دستیابی به آسمان‌ها صرفاً از طریق انجام آیین میسر دانسته

می‌شود. دومین نظر بر عمل بدون تعلق تأکید دارد. چرا که در بهگودگیتا، کریشنا به ارجونا می‌گوید که او باید وظیفه طبقاتی و جنگ را با معرفت به تمایز بین پورشه^۱ و پرکرتی^۲ و با ایمان به کریشنا به مانند عامل راستین همه اعمال انجام دهد. برطبق این نظر هر فردی موظف به انجام دهرمه^۳ خود است. (Scharf, 2008: p. 413) در متون بعدی سنت هندی، در راماینه^۴ با کمال تعجب اشاره بسیار کمی به کرمه و تولدمجدد می‌شود؛ اما در مهابهارتته^۵ به مفهوم دهرمه یا زندگی درست در سنت هندو پرداخته شده و اشارات بسیاری به آموزه کرمه و تولدمجدد می‌شود و پورانه‌ها هم دیدگاهی همچون مهابهارتته دارند. (Lipner, 2010: Vol. II, p. 780) در بهگودگیتا قانون کرمه از اختیارات قانونی آن وجود متعالی است و شخص کریشنا به شاگردش ارجونا آموزش می‌دهد که عمل را باید انجام داد اما بدون ایجاد تعلق و وابستگی به نتیجه آن، و رهایی انسان از طریق وقف مخلصانه خود به پروردگار حاصل می‌شود. (Ibid, p. 782) کریشنا در بهگودگیتا می‌گوید: «کسانی که همه اعمال‌شان را وقف من کنند، نیت‌شان من باشم، با مجاهده‌ای راسخ و مراقبه بر من، و کسانی که مرا عزیز می‌شمارند، پس آنگاه من ناجی آنها خواهم بود و آنها را از تولدمجدد نجات خواهم داد.» (The Bhagavad Gita, 2007: 12:6-7) از نظر حکیمان بهکتی آزادی از قیود کرمه از طریق توقف انجام عمل نیست؛ بلکه زمانی است که عمل بدون چشم‌داشت انجام شود و شخص نتایج عمل را مد نظر نداشته باشد. (Mahony, 1987, Vol. 8, p. 265) به عبارت دیگر، حوزه عملکرد قانون کرمه در دایره اعمالی است که تحت تاثیر خواسته‌ها و غرایز انسان انجام می‌گیرد؛ همه کارهایی که به انگیزه رسیدن به هدفی ویژه صورت پذیرد، مشمول قانون کرمه است. لیکن آن دسته از اعمال نیک که بدون چشم‌داشت به پاداش و به‌خاطر نفس نیکی و با نیت خیر انجام گیرد هیچ نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت و موجب پایبندی و گرفتار شدن انسان نمی‌شود. (چاترچی و موهان داتا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶)

قانون کرمه بر کسانی جاری می‌شود که بر پایه انگیزه‌های خودخواهانه، دست به عمل می‌زنند و چشم به دستاورد این جهانی و یا آن جهانی دارند. اعمالی که بدون انگیزه‌های فوق انجام گیرند، نه فقط پیامد و ثمرات گرفتار کننده ندارند، بلکه باعث محو و نابودی کرمه‌هایی می‌شوند که تحت تاثیر وابستگی‌ها، نفرت و دلبستگی‌ها و یا به امید چیزی انجام شده‌اند. انجام کارهای بدون چشم‌داشت به آزادی و رهایی می‌انجامد. وقتی که انسان از قید و بند رها شد،

1. puruṣa
2. prakṛti
3. Rāmāyana
4. Mahābhārata

نفس او بر فراز و ماورای قانون کرمه، در محیطی آزاد و رها می‌زید و عمل می‌کند. همان، ص ۱۰۵) اما عمل خودخواهانه منجر به تولدمجدد می‌شود و تولدمجدد نیز منجر به ایجاد کرمه جدیدی می‌شود. عمل عاری از خودپرستی شما را اسیر نمی‌کند و اگر کسی قلب خود را پاک کند به انوار الهی و فیض رهایی‌بخش دست می‌یابد. (Sivananda, 1999: p. 48)

در یک تقسیم‌بندی کلی، نظام‌های فکری هند به مکتب‌های آستیکه و ناستیکه تقسیم شده‌اند. مکتب‌های فلسفی «آستیکه» قائل به حجیت وداها و آسمانی بودن آنها هستند و در مقابل مکاتبی مانند جین و بودا قرار دارد که «ناستیکه» خوانده می‌شوند که قائل به حجیت وداها و آسمانی بودن آنها هستند. مکاتب آستیکه شامل شش مکتب اصلی است و عبارتند از: یوگا، سانکهییه، میمانسا، ودانته، نیایه، ویششیکه.

مکتب‌های سانکهییه و یوگا هر دو بر این باورند که نفس، حقیقتی جاودانه و به‌طور کامل جدای از بدن و ذهن است و فقط با بصیرت معنوی نسبت به این مطلب است که می‌توان به نجات نایل شد. زمانی که جهل ریشهٔ رنج و گرفتاری باشد، راه نجات از آن نیز کسب معرفت و آگاهی نسبت به وجود و معنای روح و جداسازی آن از ماده خواهد بود.

در مکتب یوگا یا یُگه، پتئجلی در یُگه سوتره^۱، کرمه را این‌گونه تحلیل می‌کند: هر عملی باقیماندهٔ کرمه‌ای و یا به تعبیری کرماشیه^۲ ایجاد می‌کند که تجمعی از کرم‌هاست که بسته به نوع عمل می‌تواند خوب یا بد باشد. کرماشیه را شاید بتوان به‌عنوان بذری در نظر گرفت که یا در این زندگی فرد و یا در زندگی دیگر فرد رشد می‌یابد. آن بذر دربرگیرندهٔ خصلت‌های شخصی فرد است که شامل آن موضوعات یا خواطری می‌شود که در ذهن فرد در مراتب غیرهشیارانه نقش بسته است و به‌مانند منشاء رنج‌های شخصی همیشگی ایفای نقش می‌کند و از آن به کلهشه^۳، رنج جهل، نفس، کینه و میل به‌زندگی نیز یاد می‌شود. کلهشه فعالیت‌ها را در جهت اهداف مورد نظر هدایت می‌کند و مردم را در دام مرگ و نوزایی نگاه می‌دارد. اگر شخصی بمیرد قبل از اینکه همهٔ باقیمانده‌های کرمه‌ای او از بین رفته باشد آن باقیمانده‌های کرمه‌ای به افکار محقق نشده، امیال و احساساتی که به‌دنبال بدن جدیدی هستند می‌پیوندند و آن بذر را رشد می‌دهد. به‌عنوان مثال کسی که به خوردن غذا حرص و ولع دارد در زندگی بعدی به شکل خوک متولد می‌شود. (Mahony, 1987, Vol. 8, p. 263)

سانکهییه در صدد دستیابی به رهایی پراکرتیتی یا (ماده ازلی) از قیود کرمه از طریق جنانه یا معرفتی برای تشخیص بین پورشه و پراکرتیتی و فهم نقش گمراه‌کنندهٔ حواس است و اینکه

1. yoga sutra
2. karmāśaya
3. kleśa

این عقل و ذهن است که واقعیت را درمی‌یابد. در صورتی که در سایر نظام‌های فلسفی هند، هدف دستیابی به رهایی روح است، هدف در سانکهایه، رهایی پراکریتی و این امر مستقل از اراده الهی است. (Krishnan, 1997: p. 144)

در مکتب نیایه، این اعتقاد وجود دارد که جسم کنونی، حیات روانی، نفسانی و امکانات عقلانی ما نتیجه تأثرات کردار نیک و بد حیات‌های پیشین است. تحقق نجات با از بین رفتن این تأثرات است؛ نفس و ذهن از روح جدا می‌شوند و روح تجرد و پاکیزگی فطری خود را به‌دست می‌آورد. (شایگان، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۴۷۳) از نظر نیایه و ویششکه، کرمه سبب ایجاد جسم در تولدی مجدد و همچنین پیوند جسم با روح می‌شود. (Krishnan, 1997: p. 150) در مکاتب نیایه و ویششکه معتقدند که هدایت و کنترل قانون کرمه در دست خدا یا آن وجود متعالی است که تمام هستی را در هماهنگی و مطابقت با این قانون آفریده است و این خداوند است که نظام پاداش عمل خیر و مکافات عمل شر را هدایت می‌کند. اما قانون کرمه در مکاتب‌های جین، بودا، سانکهایه، میمانسا، قانونی است که مستقل و آزاد از اراده الهی است. (چاترچی و موهان داتا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴)

در نزد متفکران میمانسا، اعمال آیینی همچون جادو عمل می‌کنند؛ یعنی اگر روحانی، اعمال توصیه شده را به‌درستی انجام دهد، او خدایان را مهار می‌کند و با فشار وارد کردن بر آنها از طریق اعمال آیینی، آنها را وادار می‌کند که طبق نظر روحانی عمل کنند. یعنی کرمه از نظر این متفکران، متضمن خواست خداوند نیست و بخشی از نظام متافیزیکی غیرمتشخص علت و معلولی است که باعث می‌شود عمل، پاسخ خودکاری داشته باشد و هر کنشی، واکنشی اجتناب‌ناپذیر دارد. (Mahony, 1987, Vol. 8, p. 262)

مکاتب ودانتا و ادوایت‌ودانتا نیز کرمه را باور دارند؛ اما مکتب ودانتا نتیجه می‌گیرد که این آموزه از واقعیت‌ها ناشی نمی‌شود و نمی‌توان آن را اثبات کرد و این نیز به‌دلیل ناتوانی بشر در توضیح شر، نابرابری و سایر واقعیات قابل مشاهده در جامعه است و به‌همین دلیل، نامعتبر و به‌جهت حل مشکلات در زمان اوپنیشدی، اختراعی مناسب بوده است. سوامی شیواناندا می‌گوید: کرمه نمی‌تواند همزمان با اجرای عمل بوجود بیاید و امکان فاعلیت کرمه در صورتی خواهد بود که موجودی هوشمند مانند خداوند آن را منتقل سازد. (BRAHMA SUTRAS, 2008: .) (topic 8: 38-41) در مکتب ادوایت‌ودانتا این اعمال زندگی فعلی ما هستند که نتایج اخلاقی دارند و رهایی در صورتی امکان دارد که فرد به مرتبه «جیوان موکتی»^۱ یا فهم خود برسد. (Halbfass, 2000: p. 28)

1. Jivanmukti

در یک نگاه کلی، روند طبیعت نه به‌وسیلهٔ امیال و شهوات و پیش‌داوری‌های ارواح متشخصی که در پشت آنها مخفی هستند، بلکه به‌وسیلهٔ عملکرد قوانین تغییرناپذیر تعیین می‌شود. نظریهٔ کرمه سیطرهٔ قانون را نه تنها در طبیعت بیرونی، بلکه در جهان ذهن (روح) و اخلاق نیز به رسمیت می‌شناسد. به‌واقع ما هر لحظه در حال ساختن شخصیت خود هستیم و به سرنوشت خود شکل می‌دهیم. (رادها کریشان، ۱۳۸۲: ص ۷۰) همه چیز تحت سیطرهٔ قانون است با این حال، همه چیز مشمول ارادهٔ خداوند است. کرمه، اصلی خشک و مکانیکی نیست، بلکه ضرورتی معنوی است. این اصل مظهر فکر و ارادهٔ خداوند است. خدا ناظر یا کرمادهیکشه^۱ آن است و عدالت از صفات اوست. (همان، ص ۷۱) قانون کرمه گناهکار را تشویق می‌کند که هیچ وقت برای اصلاح دیر نیست و دریچه‌های امید را بر روی ناامیدی و رنج، گناه و خطر نمی‌بندد. ما را ترغیب می‌کند که نگرشی محبت‌آمیز نسبت به گناهکار اتخاذ کنیم زیرا انسان‌ها اغلب بیشتر ضعیف هستند تا بی‌رحم. (همان، ص ۷۳)

نظریه‌های کرمه‌ای خاص، وجود استثنا در این قانون کلی را در مورد تناظر بین کیفیت عمل و بازتاب آن، امکان‌پذیر می‌دانند. گاهی سخن از آن می‌رود که می‌توان آن را به نیاکان یا کودکان و یا حتی گروه‌های دیگری در سایهٔ یک تعامل انتقال داد. حتی نشانه‌های نظام‌مندی وجود دارد که حکایت از نابود شدن نتایج اعمال بدون مجازات دارد. یُگه نیز اجازه می‌دهد تا ثمردهی اعمال در زندگی‌های آینده به تأخیر بیفتد و این تأخیر ممکن است باعث سوزاندن و یا بی‌نتیجه ماندن آن شود. سنت‌های بهکتی‌محور نیز، بخشودن اعمال توسط خداوند یا دیگر موجودات رحیم را ممکن می‌دانند. اما این در حالی است که نگرش‌های نظام‌مند، انتقال کرمه و مرتفع کردن اثرات کرمه‌ای را انکار می‌کنند. حتی در نزد بوداییان به اندازه‌ای به عملی که توسط دو نفر به‌صورت مشترک انجام شده است دقت می‌شود که کرمهٔ هر فرد مانع از بوجود آمدن کرمهٔ فرد دیگر نمی‌شود به‌طوری که هر فرد به‌طور کامل نتیجهٔ هر آنچه را که انجام داده است را به‌صورت کامل می‌بیند. جین‌ها نیز همانند بوداییان بر این باورند که هر کسی فقط نتایج اعمال خودش را تجربه می‌کند. (Schrsf, 2008: p. 412)

نتیجه گیری

آموزه کرمه تلاشی است از جانب حکیمان اولیه هند در تبیین چرایی و چگونگی بودن انسان در این جهان و تبیین فرجام‌شناسی انسان و بالا بردن کیفیت زندگی این جهانی از طریق تأمل و بکار گرفتن عقل در کشف و پیرایش انگیزه‌های اعمال آدمی هم در عرصه ذهن و هم در ساحت ظاهر. تکون مفهومی این آموزه در ارتباط با مفاهیمی همچون ریته و دهرمه در بستر تاریخ نشان می‌دهد که اخلاق در هند بشدت متأثر از نظریه کرمه است بطوریکه فرد باید با اصلاح رفتار، گفتار و نیت‌های خود در زندگی جاری، زمینه تولد بهتر در طبقه اجتماعی مناسب‌تر را برای خود فراهم آورد و تقدیر بهتری را برای خود رقم بزند. از مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت:

- اخلاق هندو به شدت تحت تأثیر قانون کرمه است.
- بر اساس این قانون، هر عملی نتیجه خوب یا بد خود را در تولدی دیگر به شکل بیشمار بدن (تناسخ) با توجه به کیفیت عمل نشان می‌دهد.
- بالاترین هدف فلسفه‌های هندی، رهایی یا خلاصی از نتایج عمل و تولد مجدد است.
- کرمه از ریشه کری (kri) به معنای عمل کردن است.
- هر عملی مطابق قانون علیت منجر به کرمه می‌شود.
- قانون کرمه تنها حاکم بر رفتار خارجی فرد نیست و شامل نیات نیز می‌شود.
- عمل انجام شده نشان‌دهنده سرنوشت فرد در زندگی بعدی اوست؛ یعنی تقدیر هرکس ساخته خود اوست.
- راه کسب کرمه خوب و پاک کردن بقایای کرمه‌ای و نجات از چرخه تولد مجدد (سمساره)، پیروی از دهرمه یا انجام وظیفه بر طبق نظم کیهانی است.
- کرمه سابقه روشنی در متون ودایی ندارد و با مناسک قربانی مرتبط می‌شود.
- در براهمنه‌ها نیز کرمه با قربانی‌هایی مرتبط می‌شود که در طی حیات فرد انجام می‌شود.
- در این دوره صحبت از متولد شدن دوباره در این زندگی می‌شود و اینکه این چرخه می‌تواند بارها تکرار شود.
- اولین نشانه از کرمه به عنوان پیش‌فرضی فرجام‌شناسانه در دوره اپنیشادی در قرن ششم قبل از میلاد و سپس در شکل کمال یافته‌اش در ادیان جین و بودا دیده می‌شود و بعد از این در همه ادیان هندی دیده می‌شود.
- اصل اعتقادی کرمه برای اولین بار به حکیم یاجنه ولکیه نسبت داده می‌شود.
- سه نوع کرمه وجود دارد: پربرده، سمچهیته، اگمی.

پربنده اشاره به چیزهای از پیش مقدر شده مثل والدین، جنس، ... دارد و مربوط به اعمال انجام شده در گذشته است. سمجهیته اعمال انجام شده‌ای است که منجر به ویژگی‌های فطری شده و امکان دارد از طریق اعمال آئینی و معرفت تغییر یافته و بر تمایلات فرد غلبه شود. اگمی اشاره به اعمالی دارد که در این زندگی انجام می‌شود و در زندگی‌های بعدی به بار می‌نشیند.

- هرکسی خالق سرنوشت خود در زندگی‌های بعدی‌اش است.

- دستیابی به معرفت باعث از بین رفتن کرمه و نجات فرد از سمساره می‌شود.

- در آئین هندویی، رهایی از طریق معرفت به حقیقت خود یا آتمن، و معرفت به برهمن و این همانی آتمن و برهمن امکان دارد.

- حوزه عملکرد کرمه در دایره اعمالی است که تحت تأثیر خواسته‌ها و غرائز با چشمداشت به رسیدن به هدفی ویژه انجام شود و اعمال نیکی که بدون چشمداشت به پاداش و با نیت خیر انجام شود، موجب گرفتاری انسان نمی‌شود.

- فرد باید در هر مرحله از زندگی که اشرمه نامیده می‌شود، گامی به جلو بردارد. در اولین گام، وداها را یاد بگیرد؛ در مرحله بعد تشکیل خانواده دهد و کرمه یگه را پشت سر نهد؛ در مرحله سوم وارد مسیر معرفت شده و با رها کردن خانواده و روستا به جنگل رفته و گوشه عزلت اختیار کند.

- به استثناء چارواکه تمام نظام‌های هندی با نظریه کرمه توافق دارند.

- در مکتب‌های جین، بودا، سانکھییه و میمانسا، کرمه مستقل از ارده الهی است.

- در دین‌های جین و بودایی، خدایان هم در معرض کرمه قرار دارند؛ در حالی که در بهگودگیتا، کرمه از اختیارات خداوند است و رهایی با وقف مخلصانه فرد به پروردگار و نیز به مداخله فیض و لطف او میسر می‌شود.

- همه چیز تحت سیطره قانون کرمه و با این حال، همه چیز مشمول اراده خداوند است.

- قانون کرمه گناهکار را تشویق می‌کند که هیچ وقت برای اصلاح دیر نیست و اینکه ما نگرشی محبت‌آمیز به سایر موجودات داشته باشیم چراکه شاید او هم انسانی بوده که در اثر گناه به این شکل درآمد است.

- در اخلاق هندویی، درستکاری مانند پیش‌نیازی برای ورود به مسیر رهایی است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. رادها کریشنن، سروپالی، (۱۳۸۲)، شیوه زندگی هندو، مترجم: سیدرضا حسینی آهی دشتی، تهران، نشر ماکان.
۲. شایگان، داریوش، (۱۳۸۶)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، نشر امیرکبیر، ج ۱، ۲.
۳. چاترچی و موهان داتا، ساتیس چاندرا و دریندرا، (۱۳۸۴)، معرفی مکتب‌های فلسفی هند، ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

منابع لاتین:

1. BRAHMA SUTRAS, (2008), Sri Swami Sivananda(trans.), India, THE DIVINE LIFE SOCIETY.
2. Dasgupta, Surendranath, (1922), *A HISTORY OF INDIAN PHILOSOPHY*, New York, Cambridge University Press, vol. 1.
3. Firth, Shirley, (1977), *Dying, Death and Bereavement in a British Hindu Community*, Leuven, Peeters Publishers.
4. Gaia, Susan, (2011),” Exploring Traditions of Faith through Primary Sources”, *MILESTONE DOCUMENTS OF WORLD RELIGIONS*, (ed) David M. Fahey, U.S. A, Salem Press, vol. 1.
5. Hamilton, Sue, (2001), *A Very Short Introduction INDIAN PHILOSOPHY*, Newyork, Oxford University Press.
6. Halbfass, Wilhelms, (2000), *Karma und Wiedergeburt im Indischen Denken*, Munchen, Germany, Hugndubel.
7. Holdrege, Barbara A., (2005),” Dharma”, *The HINDU WORLD*, (ed) Sushil Mittal & Gene R. Thurs, USA & Canada, Routledge.
8. Jacobsen, Knut A., (2011),” Samkhya-Yoga Traditions”, *THE CONTINUM CAMPANION TO HINDU STUDES*, (ed) Jessica Frazier, London And New York, Continuum.
9. J. Jolly, (1912),” ETHIC AND MORTALITY”, *Encyclopedia of ReligionA and Ethics*, (ed) James Hasting, New York, Edinburgh: T. & T. Clark, vol. 5.
10. Klosternaier, Klaus K., (2005),” Moksa”, *The HINDU WORLD*, (ed) Sushil Mittal & Gene R. Thursby, U.S.A, Canada, Routledge.
11. Krishnan, Yuvraj, (1997), *The Doctrine of Karma*, Delhi, Motilal Banarsidass Publishers.
12. Lipner, Julius, (2010),” Karman”, *Brill’s Encyclopedia of Hinduism*, (ed) Knut A. jacobsen, Leiden, Boston, Brill, Vol. II.
13. Lochtefeld, James G., (2002), *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, New York, The Rosen Publishing Group.

14. Lurker, Manfred, (2004), *The Rutledge Dictionary of Gods, Goddesses Devils & Demons*, London and New York, Routledge.
15. Mahony, William K., (1987), "KARMA", *The Encyclopedia of Religion*, (ed) Mircea Eliade, New York, London, Macmillan, Vol. 8.
16. Morreall, John & Sonn, Tamara, (2012), *THE RELIGION TOOLKIT, A COMPLETE Guide to Religious Studies*, U.K, Wiley-Blackwell.
17. Narayanan, Vasudha, (2006), "HINDUISM", *Worldmark Encyclopedia of Religious Practices*, (ed) Thomas Riggs, U.S.A, Gale, vol. 1.
18. Obeyesekere, Gananath, (2002), *IMAGINING KARMA*, California, The University of Chicago Press.
19. Pillai, Rupa, (2011), "LAWS OF MANU", *MILESTONE DOCUMENTS OF WORLD RELIGIONS*, (ed) David M. Fahey, U.S. A, Salem Press, vol.1.
20. Ramen, Fred, (2008), *INDIAN MITHOLOGY*, New York, Rosen Central.
21. Safra, Jacob E., (2006), *Britannica Encyclopedia of World Religions*, London, Encyclopedia Britannica.
22. Sbabad M., Sorajjakool S., (2010), "HINDUISM", *World Religions for Healthcare Professionals*, (ed) Siroj Sorajjakool & Mark F. Carr & Julius J. Nam, New York and LONDON, Routledge.
23. Scharf, Peter M., (2008), "KARMA", *Encyclopedia of Hinduism*, (ed) Denise Cush, Catherine Robinson, Michael York, U.S.A, Routledge.
24. Sivananda, Sri Swami, (1999), *ALL ABOUT HINDUISM*, India-Himalayas, The Divine Life Society.
25. Smith, Jane I., (2005), "AFTER LIFE.", *ENCYCLOPEDIA OF RELIGION*, (ed) Lindsay Jones, U.S.A, Macmillan Reference, USA, vol. 1.
26. *The BRIHADARNAYKA UPANISHAD*, (1950), Swami Madhavananda(trans.), India, Calcutta, Modern Art Press.
27. *THE CHHANDOGYA UPANISHAD*, (1984), Swami Krishnananda(trans.), India, THE DIVINE LIFE SOCIETY.
28. *The KATHA UPANISHAD*, (2016), Swami Gurubhaktananda (trans.), India, Chinmaya International Foundation.
28. *The Principal Upanishad*, (2007), (tran) S. Radhakrishnan, Harper Collins Publishers, India, Delhi.
29. Turner, B.L., "KARMA", (1912), *Encyclopedia of Religion and Ethics*, (ed) James Hasting, New York, Edinburgh: T. & T. Clark, vol. 7.
30. Tull, Herman W., (2005), "KARMA", *The HINDU WORLD*, (ed) Sushil Mittal & Gene R. Thursby, USA & Canada, Routledge.